

\*\*\*\*\* من ارزشمندم \*\*\*\*\*

شب بود داشتم لباسهایم برای فردا آماده میکردم..  
مقنعه، مانتو و شلوار مدرسه...

داشتم با خودم میگفتم یا بهتر بگم غر غر میکردم ..  
روزها واقعا هوا گرمه و خیلی روسری و مقنعه برام عذاب  
آورده!!! کاش از دست اینا راحت میشدیم!  
ناگهان متوجه مادرم شدم که با نگاه معنی داری به من خیره  
شده..

وقتی نگاهم بهش افتاد.. لبخندی به مهربانی همیشگی اش به  
من زد... و دوباره مشغول کارش شد..  
منم ساکت شدم و دیگه حرفی نزدم...  
صبح که با دوستانم داشتیم با سرویس به مدرسه میرفتیم  
، دوباره یاد حرفای دیشب خودم افتادم، و دوباره احساس بدی  
از این لباسها بهم دست داد..

توی زنگ تفریح به مونا، دوستم، گفتم که تو با این مقنعه و  
روپوش اذیت نمیشی؟

اونم گفت نمیدونم، ولی شاید عادت کردم،

گفت آخه مگه میشه بدون روپوش و مقنعه؟

موقع عصر، وقتی خونه بودم،

مادرم در حال شکستن گردو برای درست کردن خورشت  
فسنجون بود.

آخه من فسنجون خیلی دوست دارم..

منم داشتم تکالیف مدرسمو انجام میدادم..

دیدم مادرم زل زده به من .. آروم بهم گفت، یه چیزی ازت بپرسم  
گفتم ،بله برسید!!

اگر این مغز گردو ها داخل پوسته محکم خودشون نبودند ، آیا  
بازهم به این قشنگی و سفیدی بودند؟!  
گفتم البته که نه!

بلند گفتم هر بار که بیرون باشند دیگه مثل اولشون نیستند..  
مادرم گفت این حکمت خداوند بزرگه که هر چیزی را بخاد  
ارزش اون حفظ شود ، از اون با پوشش مخصوص خودش  
،محافظت میکنه ..

مثل همین گردو های خوشمزه که با یک پوسته محکم  
پوشیده شدند تا از آفت و خرابی حفظ شوند و این مغز های با  
کیفیت و پرخاصیت داخل اون پوسته سفت تشکیل شوند و ما  
بتوانیم استفاده کنیم.

در حالی که داشت دستهاشو می‌شست دوباره بهم گفت ، حالا  
میتونی بگی که این پوسته سفتی که این گردوها رو پوشانده  
،بی فایده هستند ؟

من در حالی که دستمو زیر چونه هام گذاشته بودم ،گفتم ،خب  
،نه!!!

گفت در مورد ما زن ها ،خداوند بزرگ چون میخواست گوهر  
وجودی زن حفظ شود ، دستور داده که زن ها پوشش داشته  
باشند ،و با حفظ حجاب و داشتن پوشش مناسب رشد کنند..و

ارزشمند باشند ..

حالا دوباره از مانتو و مقنعه و روسری بدت میاد؟  
من کمی گیج شده بودم، ولی حس کردم واقعا دیگه بهانه ای  
ندارم ...

پرسیدم پس چرا بعضی از ما خانمها و یا دخترها با حجاب  
مخالف هستند؟

مادرم گفت: دخترم دستورات خداوند مثل نسخه های شفا  
بخش برای ما انسانها هستند و لطف خداوند متعال بر این  
بوده که با اختیاری که به ما انسانها داده، از این نسخه ها  
استفاده کنیم و یا نکنیم.

ولی انسانی که عاقل باشه، از این نسخه ها استفاده میکنه.  
پوشش و حجاب هم برای ما خانمها از این نسخه های شفا  
بخشه که، هر خانم عاقلی برای رشد و ترقی باید از اون  
استفاده کنه..

کسایی که اعتقادی به پوشش ندارند، هنوز به ارزش و  
عقلانیت این کار پی نبردند!!

منم از اون روز و بعد از شنیدن حرفهای قشنگ مادرم، از اینکه  
حجاب داشتم، حس خیلی خوبی دارم.....